

# سیری در تاریخ تمدن اسلام و ایران (از پیدایش اسلام تا قرن هفتم هجری)

علی نصر اصفهانی  
حسین عزیزی

بهار ۱۳۹۹

نصر اصفهانی، علی، ۱۳۴۱-

سیری در تاریخ تمدن اسلام و ایران (از پیدایش اسلام تا قرن هفتم هجری) / علی نصر اصفهانی، حسین عزیزی. - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۹۹.

یازده، ۲۰۰ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۵۳۱: تاریخ اسلام؛ ۱۲۱) (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)؛ ۲۳۳۷: تاریخ و تمدن ملل اسلامی؛ ۴۰)

ISBN: 978-600-298-307-7

بها: ۲۵۰۰۰ ریال

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیپا.  
کتابنامه. ص. [۱۷۳] - ۱۹۱؛ همچنین به صورت زیرنویس.  
نمایه.

۱. تمدن اسلامی -- تاریخ -- از آغاز تا قرن ۷ ق. ۲. Islamic civilization -- History -- To 13th century. ۳. اسلام -- تاریخ -- از آغاز تا قرن ۷ ق. ۴. Islam -- History -- To 13th century. ۵. تمدن اسلامی -- تأثیر ایران. ۶. Islamic civilization -- Iranian influences. الف. عزیزی، حسین، ۱۳۴۱- ب. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. ج. سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت). پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی.

د. The Center for Studying and Compling University Books in Humanitics

(SAMT). Institute for Research and Development in the Humanities

۹۰۹/۰۹۷۶۷۱

DS۲۶/۸۵

۶۱۶۷۴۶۲

شماره کتابشناسی ملی



## سیری در تاریخ تمدن اسلام و ایران (از پیدایش اسلام تا قرن هفتم هجری)

مؤلفان: علی نصر اصفهانی و حسین عزیزی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

ناشران: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)،

پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی

صفحه آرایی: تحریر اندیشه

چاپ اول: بهار ۱۳۹۹

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم- سبحان

قیمت: ۲۵۰۰۰ تومان

کلیه حقوق برای ناشران محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، نبش میدان علوم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمابر: ۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰-۶۶۴۰۲۶۰۰

مرکز پخش: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۲۷، تلفن: ۰۲۵-۳۷۸۴۲۶۳۵-۶

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

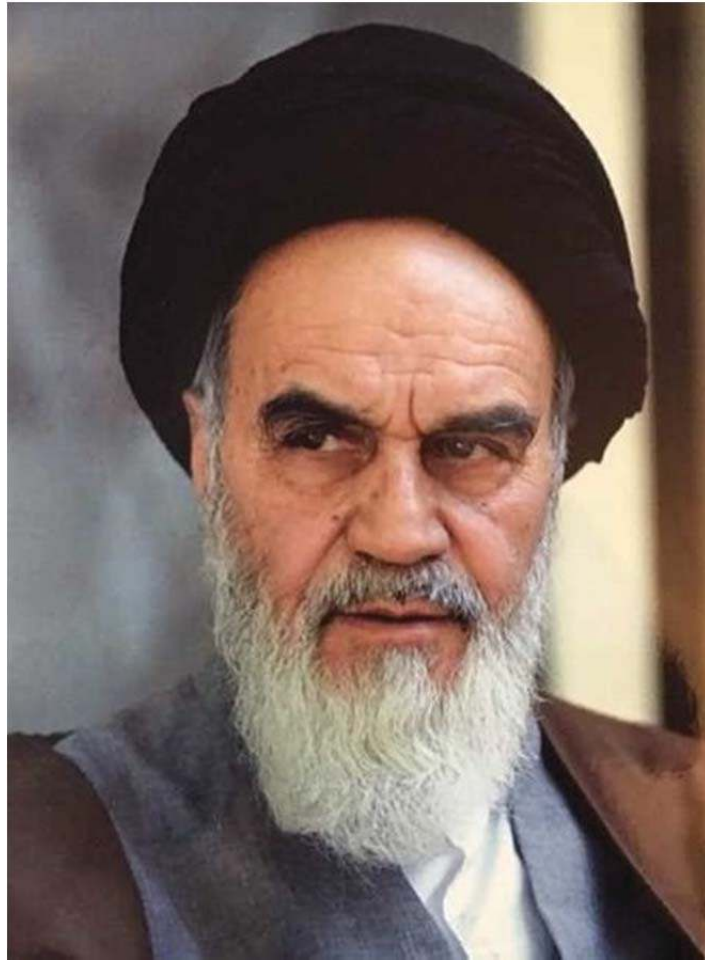
مرکز پخش، نمایشگاه و فروشگاه: تهران، روبهروی دانشگاه تهران، حدفاصل خیابانهای فخر رازی و دانشگاه، مجتمع تجاری-اداری پارسا، واحدهای ۲۰۱ و ۷ و ۸، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاهها (سمت)، تلفن: ۰۸۱۲۰-۶۶۴۰۸۱۴۵-۶۶۴۰۸۱۴۵

۶۶۴۱۷۸۵۷ (فروشگاه)، نمابر: ۶۶۴۰۵۶۷۸

www.samt.ac.ir

info@samt.ac.ir

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



«اسلام، پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به هیچ وجه حکومت اسلام، با تمدن مخالفتی نداشته و ندارد و اسلام، خود از پایه‌گذاران تمدن بزرگ در جهان بوده است. هر کشوری که به قوانین اسلام عمل کند بدون شک، از پیشرفته‌ترین کشورها خواهد بود.»

صحیفه امام، ج ۵، ص ۲۰۴



## پیام پژوهش

نیاز گسترده دانشگاه‌ها به منابع و متون درسی با نگرش اسلامی در رشته‌های علوم انسانی و محدود بودن امکانات مراکز علمی و پژوهشی که خود را موظف به پاسخ‌گویی به این نیازها می‌دانند، ایجاب می‌کند امکانات موجود با همکاری دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی در مسیر اهداف مشترک به خدمت گرفته شود و افزون بر ارتقای کیفی و کمی منابع درسی، از دوباره‌کاری جلوگیری به عمل آید.

به همین منظور پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، هفتادو هشتمین اثر مشترک خود را با انتشار کتاب سیری در تاریخ تمدن اسلام و ایران (از پیدایش اسلام تا قرن هفتم هجری) به جامعه علمی کشور عرضه می‌کنند.

این کتاب به عنوان منبع اصلی درس عمومی تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام و ایران در مقطع کارشناسی تدوین شده و نیز برای دانشجویان همین مقطع در رشته‌های تاریخ ایران، تاریخ اسلام و تاریخ تمدن (در درس‌های کلیات تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، کلیات تاریخ و تمدن اسلامی) و سایر علاقه‌مندان به حوزه تاریخ تمدن اسلام و ایران اسلامی قابل استفاده است. گفتنی است که ارجاعات گسترده و پانوشته‌های تکمیلی و ظرفیت پژوهشی اثر، آن را برای دانشجویان سطوح بالاتر نیز سودمند کرده است.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، ما را در جهت ارتقای کیفی کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی جمهوری اسلامی ایران یاری دهند.

سازمان سمت

پژوهشگاه حوزه و دانشگاه



## فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
<b>فصل اول: کلیات</b> .....	۵
مقدمه.....	۵
الف) پیشینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی.....	۸
ب) تاریخ، فرهنگ، تمدن.....	۱۰
ج) ساختمان و بستر تمدن.....	۱۲
د) مفهوم و ماهیت تمدن اسلامی.....	۱۲
ه) پیشینه تمدن در شبه‌جزیره عرب.....	۱۴
و) مراکز و حوزه‌های مهم تمدنی و علمی در آستانه ظهور اسلام.....	۱۵
۱. مصر – اسکندریه.....	۱۶
۲. ایران – جندی‌شاپور.....	۱۷
۳. حوزه زبان سریانی.....	۱۹
۴. هند.....	۲۰
<b>فصل دوم: عصر پیامبر ﷺ</b> .....	۲۳
الف) شخصیت پیامبر ﷺ.....	۲۶
ب) دعوت و تبلیغ پیامبر ﷺ.....	۲۷
ج) پیام پیامبر ﷺ.....	۲۹
د) دولت پیامبر ﷺ.....	۳۱

۳۵	..... فصل سوم: عصر خلفای راشدین (۱۱-۴۱ق)
۳۷	..... اقدامات خلفا
۳۷	..... ۱. اقدامات و سیاست داخلی
۳۹	..... دانش مسلمانان در عصر خلفای راشدین
۴۱	..... نظامات اداری و دیوانی در عصر خلفای راشدین
۴۳	..... ۲. اقدامات و سیاست خارجی
۴۵	..... مسئله فتوحات و نشر اسلام
۵۶	..... فتح شبه جزیره عرب
۵۷	..... فتح ایران
۶۰	..... فتح مستعمرات روم شرقی

۶۳	..... فصل چهارم: عصر امویان (۴۱-۱۳۲ق)
۶۴	..... الف) فتوحات و دعوت
۶۵	..... ب) نظام اداری و تحولات دیوانی
۶۶	..... ج) دانش مسلمانان در عصر امویان
۶۷	..... د) معماری
۶۹	..... هـ) رفتار مسالمت آمیز با غیرمسلمانان

۷۳	..... فصل پنجم: عصر عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق)
۷۵	..... الف) تحول در نظام اداری و دیوانی
۷۷	..... ب) پیشرفت نظام دادرسی و قضاوت
۸۰	..... ج) گسترش امنیت
۸۰	..... د) رشد ثروت و تجارت
۸۲	..... هـ) نهضت علمی: زمینه‌ها و عوامل آن
۸۳	..... ۱. تسامح و مدارا
۸۶	..... ۲. صنعت کاغذ
۸۸	..... ۳. تکریم دانش، تشویق دانشوران
۹۱	..... ۴. نهضت ترجمه
۹۳	..... ۵. عقل‌گرایی و مناظرات علمی
۹۶	..... ۶. روحیه نقد و نوآوری علمی مسلمانان



۹۹	فصل ششم: میراث علمی مسلمانان
۹۹	الف) نهادها و مؤسسات علمی
۱۰۰	۱. مساجد و مدارس
۱۰۱	۲. خانقاه‌ها
۱۰۳	۳. کتابخانه‌ها، بیت‌الحکمه‌ها و دارالعلم‌ها
۱۰۷	۴. بیمارستان‌ها
۱۰۸	ب) دانش مسلمانان
۱۱۰	۱. علم‌شناسی مسلمانان
۱۱۱	۲. ادبیات و شعر
۱۱۵	۳. پزشکی
۱۱۹	۴. داروشناسی
۱۲۱	۵. شیمی
۱۲۲	۶. فلسفه و منطق
۱۲۵	۷. ریاضیات
۱۲۷	۸. ستاره‌شناسی
۱۲۹	۹. دانش موسیقی و هنرهای زیبا
۱۳۰	الف) موسیقی
۱۳۲	ب) معماری
۱۳۳	ج) خطاطی و خوشنویسی
۱۳۵	۱۰. دانش تاریخ
۱۳۷	۱۱. جغرافیا
۱۴۰	۱۲. مکانیک و فیزیک

۱۴۳	فصل هفتم: نقش امامان شیعه در معنویت و دانش مسلمانان
۱۴۶	الف) نقش امامان در حفظ و ارتقای ایمان و معنویت جهان اسلام
۱۴۷	ب) نقش امامان در صیانت از اُلفت و اُخوت اسلامی
۱۴۹	ج) نقش ائمه در حیات علمی مسلمانان

۱۵۳	فصل هشتم: زنان در تمدن اسلامی
۱۵۴	الف) زنان در عصر پیامبر ﷺ
۱۵۶	ب) زنان در عصر خلفا (۱۱-۴۱ق)

- ج) زنان در عصر امویان (۴۱-۱۳۲ق)..... ۱۵۹  
د) زنان در عصر عباسیان (۱۳۲-۶۵۶ق)..... ۱۶۰

- فصل نهم: نقش ایرانیان در تمدن اسلامی**..... ۱۶۵  
الف) نقش ایرانیان در گسترش اسلام..... ۱۶۸  
ب) نقش ایرانیان در گسترش علوم..... ۱۶۹

### منابع و مأخذ

- الف) عربی..... ۱۷۳  
ب) فارسی..... ۱۸۱  
ج) مقالات..... ۱۸۹

### نمایه‌ها

- نمایه اشخاص..... ۱۹۳  
نمایه مکان‌ها..... ۱۹۷

## نشانه‌ها

- د: در گذشته/ وفات
- حک: دروان حکمرانی
- م: تاریخ میلادی
- ق: تاریخ هجری قمری.
- ش: تاریخ هجری شمسی
- ق / م: هجری قمری / میلادی
- ق. م: تاریخ قبل از میلاد
- یادآوری: همه تاریخ‌ها در متن، براساس هجری قمری است. تاریخ‌های شمسی یا میلادی با نشانه‌های «ش» و «م» علامت‌گذاری می‌شوند.



## پیشگفتار

۱. ابوعثمان جاحظ گفته است: «برای دانش، زیان‌بارتر از این نیست که گفته شود گذشتگان برای آیندگان چیزی نگذاشته‌اند. این سخن همت را سست و امید را ضعیف می‌کند». کتاب پیش رو براساس چنین باوری پدید آمده است؛ باوری که معتقد است معرفت تاریخی، پایان‌ناپذیر است و شناخت و فهم یک واقعه برای همیشه خاتمه نمی‌یابد؛ از این‌رو، هیچ بررسی تاریخی، معرفت و فهم نهایی نخواهد بود و راه مطالعات بعدی را نیز نمی‌بندد؛

۲. احساس نیاز به تدوین یک اثر آموزشی روزآمد و مختصر، که کاستی‌های دیگر آثار آموزشی را کمتر داشته باشد و در عین حال دارای مزیت‌های نسبی و قابل قبول باشد نیز از انگیزه‌های دیگر در تألیف کتاب بوده است. به گمان ما، مزیت‌های نسبی این اثر عبارت‌اند از: نگاه تاریخی و فرایندی به پدیده تمدن اسلامی از طلوع اسلام تا غروب خلافت اسلامی و پرهیز از طرح موضوعات گزینشی، رعایت ایجاز و اختصار و پرهیز از بیان جزئیات و درازنویسی و دشوارنویسی در متن، طرح برخی مباحث علمی و ذکر مطالب جزئی مانند نام دانشمندان و نام کتاب‌ها و دیدگاه‌ها و مانند آن در پانویس، توجه به سؤال‌های روزافزون دانشجویان درباره فتوحات صدر اسلام و نقش فتوحات در بسترسازی تمدن بزرگ اسلامی، توجه به دیدگاه‌های دانشمندان و صاحب‌نظران و بهره‌مندی و گزینش انتقادی از آرای آنان در سراسر کتاب، جایگاه اجتماعی زنان در عصر پیامبر ﷺ و خلفا و نقش تاریخی و علمی زنان در دوران تمدن اسلامی، جایگاه تمدنی امامان شیعه علیهم‌السلام و نقش مسلمانان در گسترش علوم غیراسلامی، استناد به منابع کهن و اصیل و تحقیقات جدید، تلاش برای تولید یک اثر تحقیقی و پرهیز از تقلید، پرهیز از هرگونه گزینش و قضاوتی که متأثر از غلو و تعصب ملی یا مذهبی است، پرهیز از سانسور و

گزینش‌های ناصواب و توجه به سهم و نقش بازیگران این تمدن اعم از ملل غیراسلامی یا رهبران بزرگ مذاهب و شخصیت‌ها و خلفای اسلامی، پرهیز از طرح مباحث نظری و شرح اصطلاحات، تأکید و استدلال بر اسلامی بودن ماهیت فرهنگ و تمدن ملل اسلامی؛

۳. زبان رسمی میراث فرهنگ و تمدن اسلامی، عربی است. بر همین اساس، بسیاری از نویسندگان تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی کتاب‌های خود را تاریخ تمدن اسلام و عرب یا تاریخ عرب و مانند آن نام نهاده‌اند؛ اما تاریخ تمدن اسلامی به ذات خود، تاریخ ایران و ایران پس از اسلام نیز هست؛ چراکه خراسانیان و ایرانیان بزرگ‌ترین نقش را در براندازی پادشاهی اموی و تأسیس خلافت پانصدساله عباسیان داشتند. تأثیر معنوی و علمی آنان نیز در تاریخ اسلام فراموش ناشدنی است. ابن‌خلدون به بررسی نقش بی‌مانند و شگفت‌انگیز ایرانیان در گسترش بسیاری از شاخه‌های علوم می‌پردازد. ادوارد براون و نالینو نیز گوشزد کرده‌اند که با جدا کردن سهم ایرانیان از تاریخ علوم جهان اسلام، بهترین قسمت آن از بین می‌رود؛ از این‌روست که تاریخ حیات سیاسی، معنوی و علمی ایران و جهان عرب چنان به هم آمیخته است که در این‌گونه مباحث، باید از هر دو با هم سخن گفت. بدین جهت، نام اثر خود را سیری در تاریخ تمدن اسلام و ایران نهاده‌ایم؛

۴. نویسندگان کوشیده‌اند صفحاتی از کارنامه بزرگ معنوی، فرهنگی، اجتماعی و علمی دنیای اسلام را تا قرن هفتم و سقوط خلافت عباسی (۶۵۶ق)، پیش روی نقد و نظر خوانندگان قرار دهند. در این میان، اگر از نقش مثبت خلفا و حکمرانان در پاره‌ای از رویدادهای فرهنگی و تمدنی سخنی به میان آید، به‌هیچ‌وجه به معنی چشم‌پوشی از مشکل مشروعیت حکومت یا شیوه نادرست حکمرانی و تصمیمات ناصواب آنان در حبس و قتل و غارت نیست. در محکمه تاریخ نمی‌توان هیچ چیزی را بدون دلیل نفی یا اثبات کرد. بی‌شک، مورخ نیز قاضی است؛

۵. سنت تاریخ‌نگاری عمومی و اسلامی از گذشته‌های دور براساس تاریخ سیاسی حکمرانان بوده است. حتی در شیوه تاریخ‌نگاری اجتماعی و فرهنگی دوره معاصر نیز حکمرانان و صاحبان قدرت به‌نوعی در کانون توجه تاریخ‌نگاری بوده‌اند. ما نیز به‌رغم آنکه از روش‌ها و رده‌بندی‌های گوناگون در تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی آگاه بوده‌ایم، به دلیل اختلاف نظر گسترده‌ای که در مبانی و ملاک‌های این نوع رده‌بندی‌ها به چشم می‌خورد، ناگزیر چنین روشی را برگزیدیم. این روش به سبب پیوند عمیق تحولات اجتماعی و فرهنگی با قدرت و سیاست تا حدی طبیعی می‌نماید؛ اما موجب شده است دیگر جریان‌های تأثیرگذار مانند

اهل بیت پیامبر ﷺ که با قدرت‌های حاکم همراهی نداشتند یا مخالف آن بودند و نیز کسانی چون جامعه زنان که نتوانستند نقش تاریخی خود را به‌شایستگی ایفا کنند، به فراموشی سپرده شود؛ لذا در این کتاب کوشش شده است این‌گونه نقش‌ها نیز به صورت مستدل و مختصر در کنار دیگر عوامل تأثیرگذار در تمدن اسلامی دیده شوند؛

۶. آنچه در فصل ششم ذیل «میراث علمی مسلمانان» به اختصار مورد بررسی قرار گرفته، همه شاخه‌های علمی رایج در دوره شکوفایی تمدن اسلامی نیست؛ لذا از همه شاخه‌های علوم اسلامی یا علوم شرعی که خاستگاه آنها قرآن و سنت بوده، صرف نظر شد. علوم اسلامی یا علوم شرعی آن‌گونه که ابن حزم در رساله مراتب العلوم گوشزد کرده و ابن خلدون نیز در مقدمه تاریخ شرح بیشتری داده، عبارت است از: علوم قرآن (تفسیر و قرائات)، علوم حدیث (علم درایه و رجال)، علم فقه، علم فرائض، علم اصول فقه، فن جدل و خلیفات (فقه تطبیقی)، علم کلام، علم تصوف. شرح این بخش از تاریخ علم اسلامی را می‌توان در کتاب‌های علم و تمدن در اسلام از حسین نصر، خدمات متقابل اسلام و ایران و آشنایی با علوم اسلامی از شهید مطهری و کارنامه اسلام از زرین کوب ملاحظه کرد؛

۷. در پایان لازم است مراتب سپاس و امتنان نویسندگان تقدیم شود به همه کسانی که در بهبود و ارتقای علمی این کتاب و فراهم آمدن زمینه‌های چاپ و نشر آن همکاری بی‌دریغ کردند؛ از این‌رو، رهنمودهای ارزنده و عالمانه آقایان دکتر سیدمحسن دوازده‌امامی که در ویراست اولیه این اثر تأثیرگذار بودند و حجت‌الاسلام دکتر علی غلامی دهقی را خالصانه ارج می‌نهمیم. مساعدت‌های خیرخواهانه حجت‌الاسلام جناب آقای رمضان محمدی مدیر گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و مسئولان ارجمند پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سازمان سمت که بستر چاپ و نشر مشترک این اثر را فراهم کردند، مایه امتنان و سپاسگزاری است. از زحمات گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی سازمان سمت که با ارزیابی عالمانه به بهبود و غنای اثر افزودند و همه کسانی که در فراهم آوردن تمهیدات نشر آن زحمت کشیدند نیز صمیمانه قدردانی می‌شود.

علی‌نصر اصفهانی

حسین عزیزی

بهمن ماه ۱۳۹۸ برابر با ژانویه ۲۰۲۰





## فصل اول

### کلیات

تمدن، نظم اجتماعی است که تعالی بخش آفرینش فرهنگی است.<sup>۱</sup>

#### مقدمه

به گواهی تاریخ، مشرق زمین گهواره و خاستگاه اندیشه‌ها، ادیان، فرهنگ‌ها و تمدن‌های بزرگ بشری است. آنچه از آن به عنوان تمدن ملل اسلامی یا تمدن اسلام و عرب یاد می‌شود، یکی از این تمدن‌هاست. این تمدن در فصلی از تاریخ، بر قلمرو گسترده‌ای حکم راند و از راه دانش و فرهنگ انسانی‌اش در سرزمین‌ها و تمدن‌های دیگر تأثیر گذاشت. با وجود این، حوادثی چون تجزیه و انحطاط خلافت اسلامی، عقب‌ماندگی مسلمانان و پیشرفت و برتری غرب پس از رنسانس اروپا سبب شد پشوانه و پیشینه فرهنگی و تمدنی جهان اسلام کم‌ارج و ناچیز تلقی شده، حتی از خاطره مسلمانان نیز به تدریج محو شود.

این کم‌ارجی و فراموشی تا حدودی طبیعی به نظر می‌رسید؛ زیرا انسان‌ها به میزان نقشی که در دوران حیات خود دارند، به ثبت و ضبط و انتقال این نقش و نیز به شناخت تاریخ و نقش دیگران علاقه‌مند می‌شوند؛ بنابراین، مردمانی که فاقد نقش تاریخی‌اند یا به هر دلیلی نقش خود را از دست می‌دهند و به انحطاط کشیده می‌شوند، نه چیزی برای نمایش دادن دارند و نه علاقه‌ای به شناخت نقش پیشینیان و دیگران؛ یعنی به نوعی خودفراموشی و از دست دادن هویت تاریخی دچار می‌شوند.

---

۱. ویل دورانت، درس‌های تاریخ، ص ۱۲۳.

در اوج خودفراموشی و بی‌توجهی مسلمانان به میراث ارزشمند خود، سلطه رسانه‌ای غرب نیز عامل پیدایش این تصور غلط شد که آنچه امروز در اختیار ماست، از آن دیگران در مغرب‌زمین است و شرق به‌خصوص مسلمانان هیچ نقشی در تاریخ حال و گذشته جهان نداشته‌اند. از نظر طیفی از نویسندگان غرب، تمدن مغرب‌زمین ریشه در یونان باستان دارد و در این میان نه میراث بزرگ شرق و نه تمدن عظیم اسلامی کمترین نقشی در آن نداشته است. چنین وانمود می‌شود که گویا در شرق و در قرون وسطی (۴۷۶-۱۴۵۳م) در هیچ کجا خبری از فعالیت‌های علمی، فرهنگی و هنری نبوده و معجزه یونانی به‌یکباره در قرن پانزدهم از رنسانس اروپا سر برآورده است. خوشبختانه، این تصور نادرست را بسیاری از نویسندگان معاصر تاریخ علم و تاریخ تمدن گوشزد کرده‌اند:

ویل دورانت می‌نویسد: «تاریخ چهارهزاره [مشرق‌زمین] و جریان پرمایه‌ترین تمدن‌های قاره عظیم (آسیا) را با شتابی ناخواسته نگریسته‌ایم و بی‌گمان نه به فهم این تمدن‌ها نایل آمده و نه حق آنها را ادا کرده‌ایم و از اینجاست که اروپا و آمریکا- این فرزند و نواده خودخواه آسیا- هرگز به ارزش میراث کهن پدران خود پی نبرده‌اند. اگر هنرها و فنونی را که از شرق به غرب رفته‌اند یا نخستین بار در مشرق‌زمین پدید آمده‌اند، برشماریم، درمی‌یابیم که بدون هیچ زحمتی، پیکره‌ای از همه تمدن بشری را به میان نهاده‌ایم».<sup>۱</sup>

از نظر جورج سارتون، بزرگ‌ترین موفقیت‌های باستانی مدیون یونانیان و بزرگ‌ترین موفقیت‌های قرون وسطی (دوران تمدن اسلامی) مرهون مسلمانان بود. از نیمه دوم قرن هشتم تا پایان سده یازدهم میلادی، زبان عربی زبان علمی و پیشرو بشریت بود. در اثنای آن دوران، هر کس می‌خواست دارای معلومات روزآمد باشد، عربی می‌آموخت. با این‌همه، کسانی که درباره تاریخ علم در قرون وسطی تحقیق کرده‌اند، درباره علم و دانش در این قرون تصور غلطی به ما ارائه می‌دهند؛ زیرا با وجود بزرگ‌ترین موفقیت‌های بزرگ مسلمانان در این دوران، نویسندگان غرب بر کمترین پیشرفت‌های مغرب‌زمین تأکید می‌ورزند و تقریباً همه مطالعاتشان را به تفکر و دانش غربیان منحصر می‌سازند.<sup>۲</sup>

محقق آلمانی، زیگرید هونگه، در مقدمه کتابش می‌نویسد: «آنچه تاریخ‌نویسان اروپایی در

۱. دورانت، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۶۵۸.

۲. سارتون، مقدمه بر تاریخ علم، ج ۱، ص ۲۱-۲۲، ۵۳۳.

مورد نقش هشتصدساله مسلمانان بیان می‌کنند، این است که می‌گویند مسلمانان سبب رساندن گنجینه تمدن یونان به اروپا بودند. این، تنها نکته مثبتی است که اروپایی‌ها درباره اعراب و مسلمانان اظهار کرده‌اند. با این بیان، نقش مسلمانان را به حد یک نامه‌رسان تاریخ تخفیف می‌دهند؛ درحالی‌که آنان در مدت هشتصد سال، پیشرو جهان متمدن بوده‌اند. شکوفایی تمدن اسلامی دو برابر تمدن یونان بود و این مسلمانان بودند که خیلی مستقیم‌تر و چندجانبه‌تر از یونان، جهان غرب را تحت تأثیر قرار دادند.<sup>۱</sup>

کلیفورد کانر نیز معتقد است برخی نویسندگان مغرب‌زمین از نظریه معجزه یونانی نتیجه می‌گیرند که میراث یونانی را غیراروپایی‌ها در جهان اسلام حفظ کردند و بعد دوباره به اروپایی‌ها تحویل دادند و کارشان چیزی جز حفظ و انتقال علوم یونانی نبوده است. از نظر آنان، علم یونانی دومرتبه در اروپا ریشه کرد و رشد یافت؛ درحالی‌که این تصور کاملاً غلط است و علوم اسلامی هیچ‌گاه بازتابی انفعالی از دستاوردهای یونانیان نبوده است و مسلمانان، خود سهامداری بزرگ در عرصه علم و دانش بودند.<sup>۲</sup>

ژوزف ماک‌کاپ می‌نویسد: «برخی چنین می‌پندارند که مسلمانان کاری نکرده‌اند، به‌جز آنکه کتاب‌ها را از یونانی به عربی ترجمه نمایند و اینکه این کتاب‌ها بعداً به اروپا رفته، از عربی به لاتین ترجمه شد. آنان فکر نمی‌کنند که همین کتاب‌های یونانی مدت چهارصد سال در کتابخانه‌های مسیحیان و صومعه‌ها موجود بود و ابداً جنبش علمی به وجود نیاورد و حال آنکه وقتی مسلمانان به آنها دست یافتند، مخصوصاً در زمان مأمون (خلیفه عباسی در قرن دوم) برگ تازه‌ای در سرگذشت جهان باز گردید: رصدخانه‌ها تأسیس شد، ستاره‌شناسان و ریاضی‌دانان از هندوستان به میدان کار وارد شدند، دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علمی و پزشکی شکل گرفتند و در یک قرن دیگر ده‌ها هزار نفر از اسپانیا تا ترکستان با جدیت مشغول تحصیل در دانش ریاضی، فیزیک، ستاره‌شناسی، شیمی، پزشکی و گیاه‌شناسی بودند. فقط ترجمه کتاب‌های باستانی نبود که مسلمانان به اروپا بخشیدند، بلکه نتیجه چندین قرن تحقیق و آزمایش در هزارها رصدخانه و آزمایشگاه را به اروپاییان دادند.»<sup>۳</sup>

۱. هونگه، تأثیر اسلام در اروپا، ص ۱۹-۲۰.

۲. کانر، تاریخ علم مردم، ص ۱۶۸.

۳. ماک‌کاپ، عظمت مسلمین در اسپانیا، ص ۱۷۸-۱۷۹.

به نوشته فؤاد سزگین، «بر کتاب‌های تاریخ عمومی علم، چند قرن است که تصور نادرستی سایه افکنده است و آن اینکه تحول علوم به‌ویژه در حوزه مدیترانه دو مرحله اساسی را پشت سر گذاشته است: مرحله یونان باستان و مرحله جهان غرب که با پدیده‌ای به نام دوران رنسانس آغاز می‌شود».<sup>۱</sup> فاخوری کشیش، فیلسوف و نویسنده معروف مسیحی، می‌نویسد: «علمای غرب، با اینکه دانش را از شاگردان مکتب مسلمانان فرا گرفته بودند، شاگردان را بلندنام ساختند و استادان مسلمان را از یاد بردند. در این میان، اگر خاورشناسانی چون سارتون، مایروف و مانند آنها نبودند، شاید نوابغی چون ابوریحان بیرونی، ابن‌هیثم، خوارزمی، ابن‌بیطار، جابر بن حیان، رازی و دیگران برای ما مجهول می‌ماندند».<sup>۲</sup>

این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد در تحقیقات منصفانه نویسنده‌گان غرب و پژوهشگران بی‌طرف، جهان امروز در بسیاری از زمینه‌های فرهنگی و علمی، مدیون مسلمانان است؛ مسلمانانی که ظرف مدتی کوتاه، امپراتوری عظیم و جهانی از اقوام و ملل مختلف بنیان نهادند و بستر ساز تمدنی بزرگ شدند.

در این نوشتار، پس از مباحث کلی و مقدماتی در مورد مفاهیم و بنیادهای تمدن اسلامی، فرایند شکل‌گیری این تمدن در دوران‌های مختلف، دستاوردها و قوت و ضعف مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

### الف) پیشینه تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی

پیشینه تاریخ‌نگاری یا تاریخچه ادبیات تمدن اسلامی به بررسی سابقه آثار نوشته‌شده درباره این تمدن می‌پردازد. این بررسی نشان می‌دهد مطالعات مربوط به فرهنگ و تمدن اسلامی در ایران و جهان از چه زمانی و توسط چه افرادی مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است و چه نویسندگانی در این خصوص پیشگام بوده‌اند.

در میان نویسندگان آثار کهن، می‌توان ابن‌ندیم بغدادی (د. ۳۸۴ق) را از نخستین تاریخ‌نگاران فرهنگ و تمدن اسلامی به شمار آورد. او در کنار تهیه فهرست بزرگی از منابع و نویسندگان علوم قدیم و علوم اسلامی، اطلاعاتی در مورد انواع زبان‌ها، کاغذ، خط،

۱. سزگین، گفتارهایی پیرامون تاریخ علوم عربی و اسلامی، ص ۲۷.

۲. فاخوری، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۳۶۸.

موسیقی دانان، متصوفه، متکلمان، دیوان‌ها، تاریخ علوم و ادیان و مانند آنها به دست می‌دهد که امروزه از موضوعات تاریخ فرهنگ و تمدن به شمار می‌روند. پس از او، از ابن‌صاعد اندلسی (د. ۴۶۲ق) می‌توان نام برد که در کتاب طبقات اُمم اطلاعات ارزشمندی از تاریخ علم، آثار علمی و نویسندگان و مترجمان و سابقه تمدنی و تفاوت‌های فرهنگی مردم روم، چین، هند، ایران و یونان گردآوری کرده است.

عبدالرحمن بن خلدون (د. ۸۰۸ق) نخستین مورخ است که در مقدمه معروف کتاب تاریخ، مفهوم حضاره، تمدن و عمران (آبادسازی) را در یک معنی به کار برده است. او بر این باور است که مردم تا زمانی که به مرحله تمدن و پیشرفت شهرنشینی نرسند، اهمیتی جز به تأمین نیازهای اولیه زندگی از گندم و مانند آن نخواهند داشت. با آغاز مدنیّت و شهرنشینی است که ثروت افزوده می‌شود و مازاد بر ضروریات زندگی در بخش کمالات (مانند دانش) هزینه می‌گردد.<sup>۱</sup>

اما در قرون اخیر، طهطاوی (د. ۱۸۷۳م) نویسنده و مفسر مصری و خیرالدین تونسلی (د. ۱۸۸۹م) از نخستین روشنفکران مسلمان بودند که در کتاب‌های خود به مباحث تمدنی اشاره کردند.<sup>۲</sup> در میان دیگر نویسندگان مسلمان قرن نوزدهم، می‌توان به روشنفکران شبه‌قاره هند، امثال سیدامیرعلی (د. ۱۹۲۸م) اشاره کرد که آثار خوبی در این زمینه تألیف کردند.<sup>۳</sup> در همین قرن، برخی ترکان عثمانی نیز در دفاع از نقش اجتماعی و سیاسی اسلام، به تبیین و نگارش تاریخ تمدن اسلامی پرداختند.<sup>۴</sup>

با وجود این، نخستین بار، شرق‌شناسان غرب و نویسندگان مسیحی بودند که در قرن نوزدهم میلادی، پس از سخن گفتن از تمدن اروپایی، به شکل گسترده درباره تمدن اسلامی بحث کردند. از مهم‌ترین کسانی که در قرن بیستم میلادی در زمینه تاریخ تمدن اسلامی تحقیق کرد و کتاب نوشت، پزشک و مورخ و جامعه‌شناس معروف فرانسوی، گوستاوبون<sup>۵</sup>

۱. ابن‌خلدون، تاریخ ابن‌خلدون، ج ۱، ص ۵۴۳-۸۴۰.

۲. حضرتی، متفکران مسلمان و شناسایی تمدن اسلامی، ص ۵۷.

۳. سیدامیرعلی از نویسندگان ایرانی تبار هندی است. مشهورترین آثار او تاریخ اسلام و عرب و کتاب روح اسلام است. کتاب روح اسلام به بحث عصر عظمت مسلمانان و عظمت تمدن اسلامی و نیز تأثیر آن در تحولات اروپا پرداخته است.

۴. یکی از آثار ترکان کتاب مهم المدنیة الاسلامیه بود. این کتاب را شمس‌الدین سامی در سال ۱۸۸۶م در استانبول منتشر کرد (حضرتی و دهقانی، همان، ص ۵۹-۶۰).

5. Gustave Le Bon.

(د. ۱۹۳۱م)، بود.<sup>۱</sup> نویسندگان عربی زبان مسلمان و مسیحی شام و مصر که ارتباطات فکری و فرهنگی ویژه‌ای با متفکران غرب داشتند نیز آثاری در این زمینه منتشر کردند که مهم‌ترین آنها کتاب تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان، روزنامه‌نگار لبنانی و مصری (د. ۱۹۱۴م) و تاریخ سیاسی، دینی، فرهنگی و اجتماعی اسلام از دکتر حسن ابراهیم حسن (د. ۱۹۶۸م) است. در این میان، نویسندگان ایرانی، در مقایسه با مسلمانان شبه‌قاره و اعراب، کمی دیرتر به مباحث تاریخی تمدن اسلامی پرداختند و به ترجمه آثار دیگران روی آوردند.<sup>۲</sup> کتاب‌های تمدن اسلام و عرب گوستاولیون، تاریخ تمدن اسلامی جرجی زیدان (د. ۱۹۱۴م) و تاریخ اسلام و عرب سیدامیرعلی هندی (د. ۱۹۲۸) از نخستین آثاری بودند که در ایران به فارسی ترجمه شدند. مدت‌ها بعد، کتاب تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی را ذبیح‌الله صفا در سال ۱۳۳۱ش تألیف کرد. کتاب‌های علم و تمدن در اسلام از دکتر حسین نصر و کارنامه اسلام از دکتر عبدالحسین زرین‌کوب، سهم اسلام در تمدن جهان از دکتر ناصرالدین صاحب‌الزمانی، خدمات متقابل اسلام و ایران از شهید مطهری و تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی از زین‌العابدین قربانی آثاری هستند که در دهه‌های چهل و پنجاه شمسی منتشر شدند. هم‌زمان با تدوین این آثار، کتاب‌هایی چون تاریخ تمدن ویل دورانت (د. ۱۹۸۱م)، بررسی تاریخ تمدن آرنولد توین بی، اسلام و تمدن اسلامی آندره میکِل و تمدن اسلامی در قرن چهارم آدم متز (د. ۱۹۱۷م) نیز از آثاری بودند که در چند دهه اخیر به فارسی برگردانده شدند.

### ب) تاریخ، فرهنگ، تمدن

«تاریخ» به معنی تعیین زمان یک پدیده است؛ اما در اصطلاح، فن و دانشی است که از رویدادهای انسانی در گذشته، بلکه از هر آنچه در جهان پدید آمده‌اند، با تعیین زمان حادثه بحث و گفتگو می‌کند.<sup>۳</sup> ابن‌خلدون دانش تاریخ را اندیشه و تحقیق درباره رخدادها و مبادی

۱. نام کتاب گوستاولیون تمدن اسلام و عرب است که در سال ۱۳۱۳ شمسی به دست محمدتقی فخر داعی گیلانی به فارسی برگردانده شده است.

۲. کتاب روح‌التمدن از نخستین آثاری بود که به دست سیداسدالله خرقانی (د. ۱۳۱۵ق) تألیف شد. پس از آن، کتاب تمدن الاسلام را شیخ قاسم آقا واعظ مهاجر تألیف کرد که در سال ۱۳۵۲ق منتشر شد (همان، ص ۶۸).

۳. سخاوی، الاعلان بالتوئیخ لمن ذم التاريخ، ص ۱۴-۱۹.

آنها و کاوش دقیق برای یافتن علت حوادث می‌داند.<sup>۱</sup> بنابراین، منظور از تاریخ تمدن، دانشی است که دربارهٔ موضوعات مربوط به فرهنگ و تمدن گذشتگان بحث و گفتگو می‌کند.

مفهوم «فرهنگ» در زبان فارسی پیوندی نزدیک با مفهوم تمدن دارد. لذا تعریف جامع و مانع که حد و مرز این دورا به‌خوبی روشن کند، وجود ندارد. در آثار نویسندگان، تعریف‌های گوناگونی برای فرهنگ و تمدن دیده می‌شود. در لغت‌نامه‌های فارسی، فرهنگ را تعلیم و تربیت، علم و دانش و ادب، عقل و خرد، آموزش و پرورش و مانند آن معنی کرده‌اند.<sup>۲</sup> در تعریف اصطلاحی فرهنگ نیز طیفی از تعریف‌های گوناگون دیده می‌شود؛<sup>۳</sup> اما کاربرد دقیق مفهوم فرهنگ همراه با تعریف آن با تایلر آغاز می‌شود. فرهنگ از نظر ایشان، مجموعهٔ درهم‌تافته از دانش، دین، هنر، اخلاقیات، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و عاداتی است که آدمی به‌عنوان عضوی از جامعه به دست می‌آورد.<sup>۴</sup> فرهنگ در این تعریف روح تمدن به شمار آمده است.

فرهنگ‌نامه‌های لغت عربی قدیم و جدید، واژه تمدن را «حضارت» به معنای شهرنشینی و برگزیدن خوی شهری دانسته‌اند. خواجه نصیرالدین طوسی تصریح می‌کند واژه «تمدن» از مدینه (شهر) گرفته شده است و مدینه محل اجتماع کسانی است که با انواع حرفه‌ها و صنایع تعاونی و جمعی که سرمایه‌های معیشت‌اند، زندگانی می‌کنند.<sup>۵</sup> از این‌رو، تمدن به مجموعه

۱. ابن‌خلدون، مقدمه ابن‌خلدون، ج ۱، ص ۲.

۲. دهخدا، لغت‌نامه، مدخل «فرهنگ».

۳. برخی نویسندگان تا نیمه قرن بیستم، یک‌صد و شصت تعریف از فرهنگ گرد آورده‌اند (ر.ک: آدلر، تمدن‌های عالم، ص ۱۲۴)؛ اما ری زومر (Roy summer) معتقد است با همه تفاوت آرا در تعریف و بررسی‌های فرهنگی، در سه مورد اتفاق نظر وجود دارد: اول اینکه فرهنگ محصول ناهمگن عمل انسانی است که در نمادها، آیین‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، شیوه‌های رفتار و مصنوعات فرهنگی تجلی می‌یابد. دوم آنکه تنها همین تجلیات را می‌توان مشاهده و تفسیر کرد، نه خود فرهنگ‌ها را. سوم آنکه باید به تمایز سه بعد مادی، اجتماعی و ذهنی توجه کرد. بُعد مادی فرهنگ شامل مصنوعات است که فرهنگ را به نمایش می‌گذارد و از طریق آنها می‌توان فرهنگ را مشاهده کرد؛ مانند هنر، ادبیات، نمایش، فیلم، رادیو، تلویزیون و اینترنت. تجلیات فرهنگ در معماری، پوشاک و کالاهای مصرفی و محصولات فرهنگی نیز دیده می‌شود. بُعد اجتماعی عبارت است از آیین‌ها و نهادهای اجتماعی که حاملان فرهنگ و ناقلان فرهنگ هستند. بُعد ذهنی فرهنگ همان بعد معنوی یا روحی جامعه است که شامل اسطوره‌ها، جهان‌شناسی، باورها و اعتقادات مذهبی و سیاسی، ارزش‌ها و هنجارها و شیوه‌های فکر و احساس جمعی می‌شود (پهلوان، فرهنگ و تمدن، ص ۸۷-۹۱).

۴. آشوری، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، ص ۳۹، ۱۱۲-۱۱۳؛ لوکاس، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴.

۵. طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۰۹-۲۱۰.

دستاوردهای مادی و معنوی بشر در یک دوره تاریخی گفته می‌شود که در نظم، عقلانیت، پیشرفت در علم و هنر و در نهادهای اجتماعی و سیاسی و دیگر ویژگی‌های شهرنشینی ظاهر می‌شود. این تمدن و این سبک زندگی، همان‌گونه که حیات خود را مدیون کار، حکومت، اخلاق، دین، علم، عقلانیت و فلسفه، هنر، ادب و فرهنگ مترقی است، خود نیز تعالی بخش آفرینش فرهنگی است.<sup>۱</sup>

### ج) ساختمان و بستر تمدن

به طور کلی، در ساختمان هر تمدنی، چهار رکن و عنصر اساسی را می‌توان تشخیص داد: پیش‌بینی و احتیاط در امور اقتصادی، سازمان سیاسی، سنن اخلاقی و کوشش در راه معرفت و بسط هنر.<sup>۲</sup> تشکیل ارکان این ساختمان در شرایطی اتفاق می‌افتد که قبلاً بسترها و زمینه‌های آن فراهم شده باشد. جغرافیای مناسب، جمعیت کافی و انبوه، راه‌های ارتباطی، دسترسی آسان به غذا، نیازهای متقابل، عوامل ایجاد هم‌بستگی (مانند زبان، قانون و دین) و دولت از مهم‌ترین بسترها و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌ها به شمار می‌روند.<sup>۳</sup>

### د) مفهوم و ماهیت تمدن اسلامی

منظور از تمدن اسلامی، آن نظم اجتماعی، سیاسی و فرهنگی است که حدود شش قرن از ظهور اسلام تا پایان خلافت عباسی (۶۵۶ق) پیشاهنگ یک دوران شکوهمند تاریخی و تأثیرگذار در فرهنگ و دانش جهان بوده است. تردیدی نیست که تمدن اسلامی این عظمت را مدیون آیین اسلام و نیز ملل اسلامی بوده است؛ لذا می‌توان آن را «تمدن اسلامی» یا «تمدن ملل اسلامی» نامید؛ اما اصطلاح «تمدن اسلامی» در میان مورخان سابقه بیشتری دارد و نویسندگانی مانند گوستا و لیبون، جرجی زیدان، ویل دورانت و آدام متز که پیشگام در تاریخ‌نگاری تمدن اسلامی بوده‌اند، از این اصطلاح استفاده کرده‌اند.<sup>۴</sup> اینکه آنان به جای ملل

۱. دورانت، درس‌های تاریخ، ص ۱۲۳؛ همو، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۶۵۸-۶۵۹.

۲. همو، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۱۶. خواجه نصیرالدین طوسی نیز قانون، دولت و ثروت را از ارکان تمدن و اجتماع انسانی به شمار آورده است (طوسی، اخلاق ناصری، ص ۲۰۹-۲۱۰).

۳. آذرننگ، تاریخ تمدن، ص ۱۹.

۴. گاه گفته می‌شود اصطلاح «تمدن ملل اسلامی» از اصطلاح «تمدن اسلامی» درست‌تر و به واقعیت جهان



اسلامی، اصطلاح تمدن اسلامی را به کار برده‌اند، شاید بدان سبب باشد که آیین اسلام در زندگی مردم و ایجاد مدارا و حس کنجکاوی و هم‌بستگی امت اسلامی و شکل‌گیری دارالاسلام بزرگ<sup>۱</sup> نقش بی‌بدیلی داشت. اسلام توانست با گرد آوردن مللِ ناهمگون زیر پرچم توحید و کتاب، قبله، پیامبر، مناسک و فقه و نظام سیاسی واحد، این نقش را به‌درستی ایفا کند.<sup>۲</sup> از این‌رو، برخی «خانه کعبه» را مبدأ حقیقی تمدن اسلامی می‌دانند<sup>۳</sup> و برخی به نقش «قرآن و اسلام» به‌عنوان پایتخت واقعی و مایه اصلی معجون فرهنگ و تمدن اسلامی تأکید می‌ورزند.<sup>۴</sup>

به بیان دیگر، در قرن اول و دوم، مسلمانان و آیین اسلام به سرزمین‌هایی با نژاد، جغرافیا و آداب و رسوم گوناگون وارد شدند. دین اسلام و زبان عربی که زبان قرآن بود، عامل پیوند مردم و ساکنان این سرزمین‌ها شد و از آنان امتی قدرتمند و سرشار از اعتمادبه‌نفس برای ورود به دوره‌ای باشکوه ساخت؛<sup>۵</sup> دوره‌ای که رشد و نمو آن طی سه - چهار قرن متوالی چنان سریع بود که فقط به معجزه‌ای شگرف می‌مانست.<sup>۶</sup>

مایه‌های اصلی این تمدن در سرزمینی شکل گرفت که تا آن روز، هیچ دولت و قانون و جامعه سیاسی بزرگ و متمرکز را تجربه نکرده بود و حدود سرزمینی و مرزهای آن را ایام‌العرب و جنگ‌های قبایل تعیین می‌کرد. با وجود این، بخش خوشبخت آن، یمن، سابقه دراز در شهرنشینی و مدنیت داشت.

---

اسلام نزدیک‌تر است. به نظر می‌رسد اصطلاح تمدن اسلامی دور از صواب نیست و نویسندگان پیشین به خطا نرفته‌اند. عنوان شناخته‌شده «دارالاسلام» که فراوان در روایات و کتاب‌های فقهی شیعه و سنی به کار رفته، گواه اصالت و درستی این نامگذاری است.

۱. براساس یک تعریف، دارالاسلام یا مملکت‌الاسلام عبارت است از کشور و سرزمین امت اسلامی و آن قسمت از جهان که در قلمرو اسلام بوده و زندگی در آن تحت نفوذ احکام اسلام باشد (عمید زنجانی، فقه سیاسی، ج ۳، ص ۲۳۳).
۲. ر. ک: زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۲۱-۲۶.
۳. نصر، علم و تمدن در اسلام، ص ۱.
۴. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۲۹-۳۰.
۵. ر. ک: لوکاس، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۴۲۹-۴۳۰؛ هونگه، فرهنگ اسلام در اروپا، ص ۳۵۴-۳۵۵.
۶. زرین کوب، کارنامه اسلام، ص ۳۲.

**ه) پیشینه تمدن در شبه‌جزیره عرب**

سرزمینی که عرب در آن می‌زیسته، بزرگ‌ترین شبه‌جزیره جهان است. در جنوب آن که یمن نام داشت، تمدنی بود که مورد ستایش مورخان قدیم و جدید است. آنان یمن قبل از میلاد را از ثروت‌خیزترین ممالک دنیا شمرده‌اند. سرزمینی با قصرهای عالی که دروازه‌ها و اتاق‌های آن از طلا زینت یافته و ظروف آن از طلا و نقره و تخت‌خواب‌های آن از فلزات گران‌قیمت بود.<sup>۱</sup> افول تمدن یمن و از دست رفتن رونق و رفاه مردم با ویرانی سد مأرب ارتباط تنگاتنگی داشت.<sup>۲</sup> این رویداد موجب کم‌آبی و پراکندگی مردم و مهاجرت قبایل یمنی به سرزمین‌های دیگر شد. از این قبایل، گروهی به حیره عراق کوچ کرد و قومی در شام مستقر شد. لخمیان دولت تحت‌الحمايه ایران در شهر حیره عراق بودند و غسانیان دولت وابسته به امپراتوری روم شرقی را در شام تأسیس کردند. قبایل اوس و خزرج نیز به یثرب (مدینه) و خزاعه به مکه مهاجرت کردند و سرمنشأ بخشی از حوادث و رویدادهای سیاسی و اجتماعی قبل و پس از اسلام شدند.<sup>۳</sup>

۱. گوستاولبون، تاریخ تمدن اسلام و عرب، ص ۹۷.

۲. قرآن کریم سبیل سد عرم را مربوط به سرزمین سبأ می‌داند و نامی از مأرب نمی‌برد (سبأ، ۱۵-۱۶)؛ اما جغرافیای قدیم، نام سرزمین سبأ را مأرب دانسته‌اند. این سد از سال تأسیس در قرن هشتم قبل از میلاد تا قرن ششم میلادی و قبل از اسلام بارها تخریب و باعث مهاجرت قبایل یمن و مجدداً بازسازی شده است (بیومی، دراسات تاریخیة من القرآن الکریم، ج ۱، ص ۳۳۶-۳۳۹) و چنان‌که برخی شاهدان عینی و مطمئن به حموی گفته‌اند، این سد در قرن هفتم هجری نیز بازسازی شده و آباد بوده است (حموی، معجم البلدان، ج ۵، ص ۳۵-۳۸؛ الاکلیل من اخبار الیمن، ج ۸، ص ۸۱). باستان‌شناسان دو نقش کشف کرده‌اند که در یکی نام یک پدر و پسر از پادشاهان سبأ را ذکر کرده که در قرن هشتم قبل از میلاد می‌زیسته‌اند و بنای سد مأرب به آن دو نسبت داده شده است. بعضی مورخان اسلامی مانند اصفهانی تاریخ انهدام سد را چهارصد سال قبل از اسلام و برخی مانند ابن‌خلدون در قرن پنجم میلادی ذکر کرده‌اند (بی‌آزار شیرازی، باستان‌شناسی و جغرافیای تاریخی قصص قرآن، ص ۳۳۲-۳۳۳).

۳. ساکنان سامی‌نژاد شبه‌جزیره عرب طی هزاران سال بارها به صورت گسترده به سرزمین‌های پیرامون کوچ کرده‌اند: در حدود سال ۳۵۰۰ ق.م بود که مهاجران سامی از شرق آفریقا به جانب شمال رفتند و مردم حامی‌نژاد مصر را مطیع خویش ساختند. همان زمان، مهاجران دیگر سامی راه دیگری پیش گرفتند و در دره دجله و فرات (عراق) استقرار یافتند و با سومریان غیرسامی درآمیختند و از آنها مدنیت آموختند. در حدود نیمه هزاره سوم پیش از میلاد (ح. ۲۵۰۰ ق.م) بود که در نتیجه آن، عموریان به سرزمین‌های هلال حاصلخیز درآمدند و با کنعانیان و فنیقیان درآمیختند. بین سال‌های ۱۲۰۰ تا ۱۵۰۰ پیش از میلاد، عبرانیان راه سوریه جنوبی و فلسطین را پیش گرفتند و آرامیان (سریانیان) به راه شمال رفته، بین کوه‌های شرقی و غربی لبنان ساکن شدند. در حدود سال ۵۰۰ پیش از میلاد، تبطیان در شمال شرقی شبه‌جزیره سینا مقام گرفتند. در قرن هفتم میلادی، مهاجرتی دیگر که آخرین نیز بود، زیر لوای اسلام رخ داد (حتی، تاریخ عرب، ص ۱۶-۱۸).

در این شبه جزیره، سواحل جنوبی خلیج فارس از بصره تا عُمان از عهد ساسانیان جزئی از قلمرو ایران بوده است.<sup>۱</sup> ساکنان شمال یمن نیز از زمان انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م) وابسته سیاسی ایران بوده‌اند.

به جز نواحی یادشده، بخش بزرگی از این سرزمین کم‌آب و بی‌حاصل مانند بیابان‌های کویری شرق ایران، سخت‌گذر و بدفرجام بود<sup>۲</sup> و تا آن روز هیچ فاتحی از آن عبور نکرده بود یا انگیزه‌ای برای فتح آن نداشت. همه سرمایه زندگی قبایل این سرزمین نیز به قدری ناچیز و محقر بود که به قول ویل دورانت، حتی کفاف تزئین کلیسایی در یکی از کوچک‌ترین استان‌های ایتالیا را نمی‌داد.<sup>۳</sup>

بعثت و انقلاب فرهنگی اسلام در چنین جغرافیایی آغاز شد و مکه و مدینه (منطقه حجاز) خاستگاه این بعثت بزرگ بود. این فرهنگ، در دوره کوتاه ده‌ساله در مدینه تقریباً همه مناطق و قبایل شبه جزیره را فراگرفت و پیامبر خدا ﷺ توانست اولین بار، همه این سرزمین‌ها را به فرمان یک کتاب و یک دین و یک دولت درآورد. به تعبیر لوکاس، یک دین نو توانست تمدن نوینی تأسیس کند و بستری را که تمدن بایستی در آن جاری شود، فراهم سازد.<sup>۴</sup>

### (و) مراکز و حوزه‌های مهم تمدنی و علمی در آستانه ظهور اسلام

پیش از آنکه اسلام از آسیای مرکزی تا کوه‌های پیرنه در شمال اسپانیا را تحت نفوذ خود درآورد، در جهان متمدن آن روزگار چندین حوزه و مرکز عمده تمدنی و علمی شهرت داشت که بخش‌های بزرگی از آنها به تصرف فاتحان مسلمان درآمد یا در هم‌جواری مناطق فتح‌شده قرار

۱. اقبال آشتیانی، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، ص ۱۶-۱۸.

۲. عثمان بن عفان، حکیم بن جبلة عبدی را جهت کسب آگاهی بیشتر به منطقه مرزی مکران (واقع در شرق کرمان) فرستاد و او به مکران آمد و پس از مدتی به مدینه بازگشت. خلیفه از وضعیت این سرزمین پرسید؛ حکیم جواب داد: «ماؤها و سئل، و لُصُّها بطل، و سهلها جبل؛ إن کثر بها الجند جاعوا و إن قلوا ضاعوا: مکران سرزمینی است که آبش اندک و راهزنانش نیرومند و دشتش مانند کوه، سخت‌گذر است. اگر سپاهیان فراوانی در آن گرد آیند، گرسنه شوند [و از گرسنگی بمیرند] و اگر سپاهیان اندکی فراهم شوند، [به دست راهزنان و دزدان] تباه گردند» (تاریخ خلیفه، ص ۱۰۷؛ بلاذری، فتوح البلدان، ص ۴۱۶-۴۱۷).

۳. دورانت، تاریخ تمدن، ج ۴، عصر ایمان، ص ۱۸۴۶.

۴. لوکاس، تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۳۵۲.

گرفت. مهم‌ترین این مراکز عبارت بودند از: اسکندریه مصر، جندی‌شاپور ایران، مراکز علمی سُرّیانی‌زبان‌ها و مراکز علمی هند.<sup>۱</sup>

### ۱. مصر - اسکندریه

این شهر از قرن چهارم قبل از میلاد و در کشور مصر، وارث و جایگزین شهر آتن و یکی از مراکز دادوستد علوم و کانون تلاقی افکار علمی، فلسفی و عرفانی شرق و غرب شد. این شهر، که در زمان بعثت پیامبر ﷺ تحت حاکمیت امپراتوری روم شرقی قرار داشت،<sup>۲</sup> مدرسه، کتابخانه و رصدخانه داشت و دانشمندان بزرگی را در فلسفه و دانش ریاضی، نجوم، طبیعیات، طب و جغرافیا در خود جای داده بود.<sup>۳</sup> بعد از ورود اسلام به مصر، مرکز علمی اسکندریه همچنان دایر بود تا آنکه در اواخر قرن اول با دستور عمر بن عبدالعزیز اموی

۱. اینکه چرا در اینجا از چین نام برده نشد، بدان جهت نیست که دنیای آن روز با این تمدن کهن آشنایی نداشت - که شواهد بسیاری بر این آشنایی وجود دارد - بلکه بدان جهت است که مسلمانان با اینکه به دروازه‌های چین نزدیک شدند، به‌جز صنایع ظریفه چینی مانند کاغذ و نگارگری و رنگ‌آمیزی به هیچ اثر علمی آنان دست نیافتند. ابن‌صاعد اندلسی چینیان را از مردمانی می‌داند که با وجود تبحر در صنایع عملی، بهره‌ای از علوم نداشته‌اند (ابن‌صاعد، التعریف بطبقات الامم، ص ۱۴۶). ابن‌ندیم نیز در کتاب خود صرفاً به کاغذ و خط چینی و برخی مسائل اجتماعی و سیاسی ایشان اشاره می‌کند؛ اما هیچ نامی از کتاب‌های آنان در میان مسلمین نمی‌برد (ر.ک: ابن‌ندیم، کتاب الفهرست، ص ۲۵، ۴۹۰، ۳۱ - تَبْحُر ۴۹۳). تنها چیزی که در کتاب ابن‌ندیم به آن می‌توان دست یافت، آن است که پادشاهان عصر زرتشت پیامبر تا دوره اردشیر بابکان، کتاب‌هایی از علوم هند و چین در اختیار داشته‌اند؛ اما وی هیچ اطلاعاتی از آن کتاب‌ها به دست نمی‌دهد (ر.ک: همان، ص ۳۳۳-۳۳۴). راغب اصفهانی نیز در کتابش چینیان را اصحاب صنایع عملی می‌داند که بر خلاف حکمای یونان، دیگران را با فن خود آشنا نمی‌کنند (محاضرات الأدباء و محاورات الشعراء و البلاغ، ج ۱، ص ۱۹۴). دُولِیسی اولیری در کتاب انتقال علوم یونانی به عالم اسلامی با اینکه به میراث شرقی هند و ایران و مراکز سُرّیانی‌زبان مسیحی و غیرمسیحی اشاره می‌کند، هیچ نامی از علوم چینی نمی‌برد. با وجود این، جورج سارتون کوشیده است نقش علمی و فنی چینیان در دوران‌های گذشته را در زمینه‌های فلسفه، جغرافیا، طب، نجوم، فیزیک، مکانیک و تاریخ به تفصیل گزارش کند (سارتون، مقدمه بر تاریخ علم، ج ۱، ص ۱۱۲، ۱۱۶، ۱۸۱-۱۸۳، ۱۹۷، ۲۰۰، ۲۰۹، ۲۱۱-۲۱۳، ۲۷۵، ۵۰۶).

۲. امپراتوری روم باستان به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. امپراتوری روم غربی به دست بربرها (ژرمن‌ها) در سال ۴۷۶م سقوط کرد و جایگاه تاریخی و سیاسی خود را به امپراتوری روم شرقی (بیزانس) داد. این امپراتوری تا ۱۴۵۳م که سلطان محمد فاتح به پایتخت آن، قسطنطنیه، حمله برد و آن را فتح کرد، دوام یافت.

۳. از جمله این بزرگان اقلیدس، ارشمیدس و جالینوس هستند.

(حک: ۹۹-۱۰۱ق) تدریس و تعلیم از آنجا به آنطاکیه که در فرهنگ و دیانت و دانشوری پیشینه طولانی داشت، انتقال یافت.<sup>۱</sup>

## ۲. ایران - جندی شاپور

دوره پادشاهی انوشیروان (۵۳۱-۵۷۹م) که هم‌زمان با کودکی پیامبر اسلام ﷺ است، دوره اقتدار ایران و در واقع عصر طلایی نظم و انضباط سازمان سیاسی در عصر ساسانیان بود. دولت ساسانی دستگاه اداری قدرتمندی داشت که از طریق آن به جمع‌آوری مالیات، استقرار امنیت، تمرکز و وحدت کشور کمک می‌کرد و قدرت پادشاه را در سراسر کشور بسط می‌داد. همان‌گونه که دبیران و کاتبان دولتی (امور دیوانی) در حفظ تمامیت ارضی و ایجاد تمرکز و وحدت رویه در عصر ساسانیان تأثیرگذار بوده‌اند، پس از فروپاشی نظام ساسانی در دوره خلفای اسلامی نیز در جایگاه خود ابقا شدند و نقش مهمی ایفا کردند.<sup>۲</sup>

در این دوران با علاقه‌ای که انوشیروان به دانش و حکمت داشت، کتاب‌هایی در زمینه فلسفه، نجوم، طب و دیگر علوم ترجمه و تألیف شد؛<sup>۳</sup> برای نمونه می‌توان به کتاب کلیله و دمنه اشاره کرد که آن را برزویه طبیب از زبان هندی به فارسی پهلوی برگرداند. اوج فعالیت مدرسه پزشکی شهر باستانی جندی شاپور (گندی شاپور) در همین دوره بوده است؛<sup>۴</sup> از آن جهت که اختلافات مذهبی مسیحیان در امپراتوری بیزانس و روم سبب شد مسیحیان نسطوری شهر آلرها یا اُدسا به شهر نصیبین پناهنده شوند.<sup>۵</sup> سپس گروهی از پزشکان نسطوری از نصیبین که در

۱. مسعودی، التنبیه والاشراف، ص ۱۰۵. شهر آنطاکیه در سال ۱۶ و حران به سال ۱۷ فتح شدند و امروز جزئی از خاک ترکیه هستند. این شهر در دروان بنی‌امیه محل مناسبی برای انتقال کتاب‌های یونانی به مرکز خلافت اسلامی یعنی شام شد (صفا، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم، ص ۸-۹).

۲. زرین کوب، تاریخ مردم ایران: ایران قبل از اسلام، ص ۵۰۲. در مورد انواع دبیران و وظایف آنان، به صفحه ۵۰۵-۵۰۳ همین کتاب رجوع شود.

۳. ابن‌ندیم، کتاب الفهرست، ص ۳۰۰؛ ایمان‌پور و کائید، «جایگاه علمی و فرهنگی گندی شاپور»، ص ۴۳-۴۴.

۴. همان، ص ۵۲۳.

۵. علت این پناهندگی آن بود که زنون، امپراتور روم، مدرسه «رُها» را به سبب تمایلات نسطوری آن در سال ۴۸۹م بست و مدرسان آن به قلمرو متصرفات ایران در شمال عراق پناهنده شدند (فاخوری، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ص ۳۲۴).

تصرف دولت ایران بود، به جندی‌شاپور آمدند و به تدریس کتاب‌های پزشکی یونانی پرداختند.<sup>۱</sup>

این شهر تدریجاً به مرکز آموزش علوم ریاضیات، فلسفه، کیهان‌شناسی و پزشکی ایرانی، هندی و یونانی بدل شد و سالیان دراز مشعل‌دار دانش پزشکی در ایران بود. برزویه که به مقام ریاست پزشکان ایران رسید، از طبیبان همین مرکز بود. پیشرفت علم پزشکی در این دانشگاه را می‌توان حاصل افکار پزشکان مختلف ایرانی، هندی، یونانی، سریانی و تعامل آنها دانست.<sup>۲</sup>

آموزشگاه و بیمارستان جندی‌شاپور، که سارتن در کتاب مقدمه بر تاریخ علم آن را دانشگاه خوانده است، در همین دوره و پس از آن تا قرن سوم و چهارم هجری، همچنان مرکز پزشکی و علوم وابسته به آن در ایران و اسلام بود و جندی‌شاپوریان تا چند قرن همچنان سیطره علمی خود را در عالم اسلام حفظ کردند.<sup>۳</sup> حارث بن کلدیثی، که در زمان بعثت رسول خدا ﷺ از پزشکان حاذق شهر طائف بود، در همین شهر و در این مرکز تحصیل کرده بود.<sup>۴</sup>

جندی‌شاپور نخستین شهر با خیابان‌هایی منظم بود که حد فاصل شهرهای شوش و شوشتر (در جنوب شهر دزفول کنونی) قرار داشت و در زمان شاپور اول (حک: ۲۴۲-۲۷۲ م) بنا شد و تا مدتی پایتخت ساسانیان بود.<sup>۵</sup>

۱. مسیحیان نسطوری از پیروان نسطوریوس بودند و او معتقد به انفصال مطلق جنبه الهی و بشری حضرت مسیح بود. کانون مذهب نسطوری در اِدسا و اورفای کنونی واقع در جنوب غربی آسیای صغیر بود. به دنبال شورش علیه نسطوری‌ها، مدرسه اِدسا در ۴۸۹ میلادی به فرمان امپراتور بیزانس بسته شد و تمام نسطوریان به سرزمین‌های زیر سلطه دولت ساسانی و شهر نصیبین رانده شدند. کلیسای شرق و آشوریان را می‌توان بازمانده‌های نسطوریان دانست (میلر، تاریخ کلیسای قدیم در امپراطوری روم و ایران، ص ۲۹۸-۳۰۰).
۲. دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۸، مدخل «جندی‌شاپور».
۳. محمدی ملایری، تاریخ و فرهنگ ایران در دوران انتقال از عصر ساسانی به عصر اسلامی، ج ۴، ص ۱۲۱. به نوشته ابن‌العبری، در سال ۲۵۵ هجری که معتز عباسی در زندان مرد، شاپور پسر سهل و رئیس بیمارستان جندی‌شاپور نیز بر دین مسیح بمرد (ابن‌عبری، تاریخ مختصر الدول، ص ۲۰۴). این گزارش نشان می‌دهد که مرکز علمی جندی‌شاپور تا نیمه قرن سوم هجری همچنان دایر و در اختیار پزشکان مسیحی بوده است. از گزارش مقدسی معلوم می‌شود این شهر هرچند عظمت گذشته خود را پس از سکونت اکراد از دست داده، تا نیمه قرن چهارم آباد و مرکز تولید و تأمین شکر غرب و شرق ایران بوده است (ر.ک: احسن التقاسیم، ص ۴۰۸).
۴. ابن‌عبری، تاریخ مختصر الدول، ص ۱۲-۱۲۴.
۵. ایمان‌پور و کاتید، «جایگاه علمی و فرهنگی گندی‌شاپور»، ص ۳۹-۴۴. دینوری می‌نویسد: «چون شاپور، پسر اردشیر، به شهر یاری رسید، لشکر به روم کشید. پس چون به عراق بازگشت، به خاک اهواز رفت و به جستجوی جای مناسبی برای احداث شهری پرداخت تا اسیرانی را که از خاک روم با خود آورده بود، در